

فهرست

الگوهای تست گنگور

۲۳۷	درس شانزدهم: قصهٔ عینکم	۷	لغت
۲۴۸	درس هفدهم: خاموشی دریا	۸	املا
۲۵۱	درس هجدهم: خوان عدل		
۲۵۲	نیایش: الهی		
۲۵۸	آزمون‌های کلی سال یازدهم		

لغت و ابیاتی فارسی

	ستایش: به نام کردگار	۱۱
	درس یکم: چشمه و سنگ	۱۱
	درس دوم: از آموختن، ننگ مدار	۱۸
	درس سوم: سفر به بصره	۳۰
	درس پنجم: کلاس نقاشی	۲۸
	درس ششم: مهر و وفا	۴۵
	درس هفتم: جمال و کمال	۵۱
	درس هشتم: در سایه‌سار نخل ولایت	۵۸
	درس نهم: غرض شیران	۶۳
	درس دهم: دریادان صف‌شکن	۷۰
	درس یازدهم: خاک آزادگان	۷۶
	درس دوازدهم: رستم و اشکیوس	۸۳
	درس سیزدهم: گردآفرید	۹۰
	درس چهاردهم: طوطی و بقال	۹۷
	درس شانزدهم: خیر و شر	۱۰۳
	درس هفدهم: سپیده‌دم	۱۱۳
	درس هجدهم: عظمت نگاه	۱۱۸
	نیایش: ای خدا	۱۱۹
	آزمون‌های کلی سال دهم	۱۲۶
	ستایش: لطف خدا	۱۳۱
	درس یکم: نیکی	۱۳۱
	درس دوم: قاضی بُست	۱۳۸
	درس سوم: در کوی عاشقان	۱۵۲
	درس پنجم: ذوق لطیف	۱۶۰
	درس ششم: پیوردهٔ عشق	۱۷۰
	درس هفتم: باران محبت	۱۷۶
	درس هشتم: در امواج سند	۱۸۶
	درس نهم: آغازگری تنها	۱۹۲
	درس دهم: رباعی‌های امروز	۲۰۱
	درس یازدهم: سپیده‌می‌آید	۲۰۶
	درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه	۲۱۱
	درس چهاردهم: حملهٔ حیدری	۲۲۱
	درس پانزدهم: کبوتر طوق‌دار	۲۲۷

لغت و ابیاتی فارسی

لغت و ابیاتی فارسی

۲۶۳	ستایش: ملکا، ذکر تو گویم
۲۶۳	درس یکم: شکر نعمت
۲۷۳	درس دوم: مست و هشیار
۲۷۹	درس سوم: آزادی
۲۸۴	درس پنجم: دماوندیه
۲۹۲	درس ششم: نی‌نامه
۲۹۸	درس هفتم: در حقیقت عشق
۳۰۳	درس هشتم: از پاریز تا پاریس
۳۰۹	درس نهم: کویر
۳۱۷	درس دهم: فصل شکوفایی
۳۲۰	درس یازدهم: آن شب عزیز
۳۲۶	درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش
۳۳۲	درس سیزدهم: خوان هشتم
۳۳۸	درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ
۳۴۴	درس شانزدهم: کباب غاز
۳۵۳	درس هفدهم: خندهٔ تو
۳۵۶	درس هجدهم: عشق جاودانی
۳۵۷	نیایش: لطف تو
۳۶۲	آزمون‌های کلی سال دوازدهم
۳۶۶	آزمون‌های جامع

تاریخ ادبیات

۳۸۰	تاریخ ادبیات دهم
۳۸۶	تاریخ ادبیات یازدهم
۳۹۴	تاریخ ادبیات دوازدهم
۴۰۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای تاریخ ادبیات دهم
۴۰۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای تاریخ ادبیات یازدهم
۴۱۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای تاریخ ادبیات دوازدهم

پاسخ‌نامهٔ مضامین

۴۱۷	پاسخ‌نامهٔ تشریحی
۴۷۲	ضمائم
۴۹۲	پاسخ‌نامهٔ کلیدی

عزّت: ارجمندی، گرامی شدن، مقابل دُلّ
 مُلک*: پادشاهی، بزرگی، عظمت
 «به اوّل پیم و هلاک بود و به آخر عزّ و مُلک بود»

طرب*: شادی

نهاد: باطن، ضمیر «پس چون در او این پندین انوره و
 طرب بود، در نهاد خود شگفت و عجب بود»

صدیق*: بسیار راستگو

مَلِک: خدای تعالی، خدای متعال
 جَبّار*: مسلط، یکی از صفات خداوند تعالی است.

فَلاحِرم*: (ف + لاجرم) پس ناگزیر

حُسن: زیبایی، جمال

صورت: چهره، رخسار

سیرت: طریقه، رفتار، عادت
 «فقدّه هال یوسف را نیکو نه از حُسن صورت او گفت، بلکه از
 حُسن سیرت او گفت»

باری: (قید) حداقل، دست کم

«اگر نتوانی که صورت خود را چون صورت او گردانی، باری،
 بنوانی که سیرت خود را چون سیرت او گردانی»

آشتی: صلح، سازش

لثیمی*: پستی، فرومایگی

کریمی: جوانمردی، بخشندگی، بزرگواری
 «در مقابله زشتی، آشتی کرد و در مقابله لثیمی، کریمی کرد»

زیادت: افزونی، بیشی

نعمت: نیکویی

عنایت: توجه، مهربانی

آهنگ: قصد، عزم، نیت

کید*: حيله و فریب

عداوت*: دشمنی

مگر، شاید، به امید آن که
 «آهنگ کید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند»

انهار*: جمع نهر، جوی ها

اشجار*: جمع شجر، درختان

اخبار: جمع خبر، آگاهی ها

اعتبار*: پندگرفتن، عبرت پذیری «در بوشه، انهار و
 اشوار است و در قرآن، اقبار و اعتبار است»

مَثَل: وصف حال، حکایت، داستان

«مَثَل قرآن، مَثَل آب است روان»

حیات: زندگی

طهارت*: پاکی

زَلّت*: لغزش، لغزیدن، گناه

«قرآن را صفت طهارت است؛ چون تن به گناه و زَلّت بیالاید
 به قرآن پاک گردد»

معاملت*: معامله و داد و ستد

روی تافتن*: روی گردان شدن

«هر کس که روی از معاملت با خلق بتافت، دنیا و آخرت در
 راه معاملت با حق بیافت»

فُرقت*: جدایی، دوری

وُصلت*: جمع وصل، اتّصال، پیوستگی

مِحنت*: اندوه، ناراحتی

راحت: راحتی، آسایش

آفت: آسیب، بیماری، گزند

جفا*: بی وفایی، ستم

«هم فُرقت بود و هم وُصلت؛ هم محنت بود، هم شادی، هم
 راحت بود، هم آفت؛ هم وفا بود، هم جفا»

بدایت: آغاز، ابتدا

بند: حبس، مجازاً زندان

نهایت: پایان، انتها

تخت: مجازاً سلطنت، پادشاهی، حکومت

گاه: تخت پادشاهان

«در بدایت بند و پاه بود، در نهایت تفت و گاه بود»

هلاک: نیستی، مرگ، فنا، دمار



تدبیر: چاره‌جویی، اندیشیدن، حيله

تقدیر: فرمان خدا، سرنوشت

رحمان: مهربان، بخشاینده، از نام‌های خداوند

ملک تعالی*: خداوند والا مرتبه

دولت: بخت و اقبال، خوشبختی

زیادت کرد، افزود

«ملک تعالی او را دولت بر دولت زیادت کرد.»

مملکت: کشورداری، پادشاهی، کشور

کایدان*: جمع کاید، حيله گران، کیدکنندگان

تفسیر: شرح کردن، بیان کردن

ارم*: ارم یا ارم ذات‌المعاد که در قرآن از آن یاد

شده و غالباً آن را بهشت شذاد دانسته‌اند.

استماع*: شنیدن، گوش دادن

چنان*: جمع جنت، بهشت‌ها، فردوس‌ها

شعرخوانی: بوی گل و ریحان‌ها

وقتی: یک زمان، روزگاری

سودایی: عاشق، شیفته، شیدا

بی‌خوبستن: بی‌هوش، مدهوش، از خود بی‌خود، بی‌تاب

۱- سه واژه «ارم»، «استماع» و «چنان» در متن درس نیستند و فقط در واژه‌نامه آمده‌اند.

ریحان*: هر گیاه سبز و خوشبو «وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها / بی‌فویشتم کردی بوی گل و ریحان‌ها»

عهد: پیمان، میثاق

روا، جایز، سزاوار

نقض*: شکستن، شکستن عهد و پیمان

«تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم / بعد از تو روا باشد نقش همه پیمان‌ها»

کوتنه‌نظری*: اندک‌بینی، عاقبت‌اندیش نبودن، عاری

از بینش و بصیرت بودن]

شاید: شایسته است

حرم: گرداگرد کعبه و اماکن مقدّس، مجازاً کعبه

سهل: آسان، زمین نرم، مجازاً کم‌اهمیت،

غیرقابل توجه «گر در طلبت رنهی ما را برسد شاید / چون

عشق هرم باشد، سول است بیابان‌ها»

ریش*: زخمی

قربان*: صدقه، تصدّق، [قربانی] (در معنای کماندان

و جای کمان نیز کاربرد دارد.)

کیش*: تیردان «هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش

آید / ما نیز یکی باشیم از جمله قربان‌ها»

دوران: روزگار، عصر

غنا*: سرود، نغمه، آوازخوانی، دستگاه موسیقی

برای حرف‌های ما

واژه	معانی و نمونه‌ها
آهنگ	<p>۱- قصد، عزم، نیت «گر تو را آهنگ وصل ما نباشد گو مباش / دوستان را هر چه دیدار تو هیچ آهنگ نیست» (سعدی)</p> <p>۲- قصد جان، سوءقصد «فلک بین چه ظلم آشکار کند / که اسکندر آهنگ دار آنگه» (نظامی)</p> <p>۳- حمله، صولت «شما را چه کرد آن سوار دلیر؟ / که یال یلان داشت و آهنگ شیر» (فردوسی)</p> <p>۴- نوا، آواز، پرده «فروش ارغنون و ناله هنگ / رسانیده به مرغ زهره آهنگ» (نظامی)</p>
بند	<p>۱- محلّ اتصال دو یا چند استخوان «از بس درشت می‌رود این توسن فلک / وقت است بندبند من از هم جدا کند» (هائیب)</p> <p>۲- حبس «برسان بندگی دفتر رزگو به درآی / که دم و هفت ما کرد ز بند آزادت» (مافلک)</p> <p>۳- زنجیر یا ریسمانی که بر پای دیوانگان و گنهکاران و زندانیان نهند «نریدست کس بند بر پای من / نه بگرفت پیل ژریان های من» (فردوسی)</p>

واژه	معانی و نمونه‌ها
بند	۴- فن، طلسم، مکر، حيله، فريب «سفن رفعت مبنی ز افسون و بند / ز یادوی و آهرمن برگزند» (فردوسی) ۵- گيره و هر نوع بند از قبیل بند قبا، تنبان، شمشیر و ... «بگشا بند قبا ای مه فورشیدکلاه / تا چو زلفت سر سودازده در پاکتتم» (هافتظ)
دولت	۱- ثروت و مال، مکننت «آفرنگهی به سوی ماکن / کاین دولت حسن را زکات است» (سعدی) ۲- اقبال و بخت، نیکبختی، خوشبختی «سرم دولت بیدار به بالین آمد / لغت برهین که آن فسو شیرین آمد» (هافتظ) ۳- فرمانروایی «ای عقل گفتم که تو در عشق گنگهی / در دولت قاقان نتوان کرد فلاحت» (سعدی)
سودا	۱- خرید و فروش «به هر سودا اگر می بود سودی / فقیری در جهان هرگز نبودی» (وفشی بافقی) ۲- اندیشه، خیال، فکر «ز سودای آن پوشم و این فورم / نبرداقتم تا غم دین فورم» (سعدی) ۳- محبت شدید، عشق «آن را که بوی عنبر زلف تو آرزوست / پیون عودگو بر آتش سودا بسوز و ساز» (هافتظ) ۴- یکی از اخلاط چهارگانه (خون، بلغم، سودا، صفرا) «در وصالت بودم از صفرا و از سودا تھی / کرد ههران تو صفرائی و سودایی مرا» (سنایی)
عهد	۱- پیمان، میثاق «اساس عهد مودت که در ازل رفته است / میان ما و شما پایدار خواهد بود» (فواوری کرمانی) ۲- روزگار، دوران «شاهد عهد شباب آمده بودش به فواب / باز به پیرانه سر عاشق و دیوانه شد» (هافتظ)
گاه	۱- تخت پادشاهان «چو آمد به درگه گشادند راه / فرستاده آمد بر تفت و گاه» (فردوسی) ۲- هنگام، وقت «گاو آن آمد که از وصل تو بستانیم داد / زین جهان هیله ساز و روزگار کینه کش» (سنایی) ۳- (پسوند) به معنی مکان و جای «دلش پیون شدی سیر از این دامگاه / در آن فرگه آوری آرامگاه» (نظامی)

املا

واژه‌های متشابه از جهت آوایی و املایی

۱) حیات، زندگی «در قرآن، حیات دل‌ها بود» حیات، محوطه
۲) زَلت، خطا، لغزش، گناه «پیون تن به گناه و زلت بیالاید، به قرآن پاک گردد» ذَلت، خواری
۳) نقض، شکستن عهد «بعد از تو روا باشد نقش همه پیمان‌ها» نغز، خوب و نیکو
۴) حرم، مکان مقدس هرم، حجمی که قاعده آن چندضلعی باشد و وجوه جانبی‌اش مثلث‌هایی باشند که همه به یک رأس مشترک (رأس هرم) منتهی شوند.
۵) غنا، سرود، آوازخوانی «در ادبیات غنایی احساسات و حالات عاشقانه و ... بیان می‌شود» فنا، خوشه غنا، نام کشور آفریقایی، توانگری



یادآوری (بهر: برای - بحر: دریا) (نظر: نگاه - نذر: پیمان) (نثر: پراکنده - نصر: پیروزی) (قالب: شکل - غالب: چیره) (قصه: داستان - غصه: غم و اندوه) (صورت: ظاهر - سورت: تندی) (خواست: طلب، اراده - خاست: برخاست، بلند شد) (خار: تیغ - خوار: ذلیل)

گروه واژه‌های املائی

انهار و اشجار - اخبار و اعتبار - صفت طهارت - نجاست و ناپاکی - گناه و زلت - فرقت و وصلت - محنت و شادی - یوسف صدیق - نیکوترین احادیث - سیرت درویشان - حبس و چاه - لثیم و فرومایه - مکر و عداوت - تقدیر رحمان - خواست خداوند - مسجّع و آهنگین - سهل و دشوار - نغمه و سرود - جبار و مسلط

املائی ریشه‌ای

حیات، حی (زنده، قبیله)، اُحیا (زندگان، قبیله‌ها)، اُحیا (زنده‌کردن، شب‌زنده‌داری)، حیوان (جاندار)
حیا، احاطه، محیط، محوطه، حیطة (محدوده)

زَلَّتْ، زَلَّ (خطا)، مَزَلَتْ (لغزیدن)، زَلزله، تزلزل، زلزال

ذَلَّتْ، ذَلَّ (خواری)، مَذَّتْ (خواری)، ذَلَّیْل، ذَلَّالَتْ (ذلیل شدن)

انهار، نهر

نَقَضَ، نَقَضَ، تَنَاقَضَ، انقضا، نقیضه

حَرَمَ، حَرَمَ، مَحَرَمَ، حَرِیمَ، تحریم، حرمت، حرام، اِحرام (پوشیدن لباس حج)

هَرَمَ، اهرام (جمع هرم)

غَنَّا، مُغَنِّی (سرودخوان)

غَنَّا، غَنَّى (بی‌نیاز)، اغنیا (ثروتمندان)، استغنا (بی‌نیازی)، مستغنی

وَصَلَّتْ، وصل، وصال، وصله

مَحْنَتٌ، مَحْنٌ (بلاها)، امْتَحَانٌ، مِمْتَحِنٌ (آزمایشگر)، مِمْتَحِنٌ (آزمایش‌شونده، محنت‌زده)

لِثِیمٌ، لثامت (فرومایگی)

سَهْلٌ، اسهال (روان‌شدن)، تسهیل (آسان‌شدن)، تساهل (آسان‌گیری)، سهولت (آسانی)

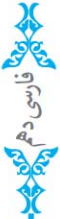
تمرین‌های املائی

۱- با توجه به معنی، املائی مناسب هر واژه را انتخاب کنید.

۱) آسودگی:	<input type="checkbox"/> فراق	<input type="checkbox"/> فراغ
۲) شکل:	<input type="checkbox"/> قالب	<input type="checkbox"/> غالب
۳) زیبا:	<input type="checkbox"/> نقض	<input type="checkbox"/> نغز
۴) مکان مقدس:	<input type="checkbox"/> حرم	<input type="checkbox"/> هرم
۵) سرود:	<input type="checkbox"/> غنا	<input type="checkbox"/> قنا
۶) آسان‌گرفتن:	<input type="checkbox"/> تساحل	<input type="checkbox"/> تساهل
۷) خواری:	<input type="checkbox"/> ذلت	<input type="checkbox"/> زلت

۲- املائی درست هر واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- ۱) غوطه زن در (بحر - بهر) و (فارق - فارغ) شو ز گیرودار موج / چون حباب شوخ چشم این کاسه‌گردانی بس است
- ۲) موج سودا و جنونی کز هوای او (بخواست - بخاست) / بر سر آن موج چون خاشاک من هر جایی‌ای
- ۳) نوشتم این غزل (نغز - نقض) با سواد دو دیده / که بلکه رام غزل‌گردی‌ای غزال رمیده
- ۴) به پیشی و کمی مال نیست فقر و (قنا - غنا) / ز توست عالم اگر دل توانگر افتاده است
- ۵) رایت (منصور - منثور) او را فتح باشد پیشرو / (تالع - طالع) مسعود او را بخت باشد پیشکار



۶) غرض - قرض - مَنّت به جود است از (لعامت - لثامت) / ز دونان (= فرومایگان) نه کرم جو نه کرامت

۷) لطافت حرکات فلک به گاه سماخ / طراوت (نغمات - نغمات) ملک به گاه ندا

۸) لهو، یک جزو و غم هزار ورق / (قَصّه - غصّه) مجموع و (قَصّه - غصّه) مختصر است

۹) اگر (زَلّت - ذَلّت) نبودی کهتران را / نبودی عفو کردن مهتران را

۳- غلط‌های املائی را پیدا کنید و املائی صحیح آن‌ها را بنویسید.

۱) چون آن را بدرید و در گردانیدن آن رنج و عَلم بسیار دیده بود و از قایت قَصّه سنگ بر سر زد تا دماغ او پریشان شد و روح او از غالب جدا شد.

۲) آن مرد دمدمه‌ای گرم و مهورتی لطیف داشت. مهمان را غول دلنشین او خوش آمد و خاست که آن لغت‌ها بیاموزد.

۳) و هر که سلک را بر قدر برانگیزد و نغز عهد را در دل سبک گرداند، یاران را در بلا نهاده باشد.

۴) لعیم‌تر دوستان اوست که در حال شدت و نکبت، دوستی و صداقت را مهمل گزارد، و غافل‌تر ملوک آن است که بی‌گناهان ازو ترسان باشند و در حفظ ممالک و اهتمام رعایا نکوشد.

۵) اما بهشت و دوزخ، این خود ظاهر است و حاصل آن اشجار و انحرار و مطعوم و مشروب است.

پاسخ نامه تشریحی

۱- املائی مناسب واژه:

۱) قَراغ (فراق؛ جدایی)

۲) قالب (غالب؛ غلبه)

۳) نغز (نقض؛ شکستن عهد)

۴) حرم (هرم؛ از اشکال هندسی)

۵) غنا؛ سرود

۶) تساهل؛ آسان گرفتن

۷) ذَلّت (زَلّت؛ خطا)

۲- املائی صحیح:

۱) بحر؛ دریا - فارغ؛ آسوده (فارق؛ جداکننده)

۲) بخاست؛ بلند شد

۳) نغز؛ زیبا (نقض؛ شکستن عهد و پیمان)

۴) غنا؛ توانگری

۵) منصور؛ یاری‌شده، پیروز (منثور؛ پراکنده) - طالع؛ طلوع‌کننده، در این بیت به معنی بخت و اقبال است.

۶) غرض؛ هدف (قرض؛ وام) - لثامت؛ لثیم‌بودن، پستی

۷) نغمات؛ نغمه‌ها، سرودها

۸) قَصّه - غصّه

۹) زَلّت؛ خطا و لغزش (ذَلّت؛ خواری)

۳- املائی درست واژه‌ها:

۱) آلم؛ درد و رنج (عَلم؛ پرچم) - غایت؛ نهایت - غَصّه؛ غم و ناراحتی (قَصّه؛ داستان) - قالب؛ جسم (غالب؛ چیره)

۲) محاورت؛ گفت‌وگو - قول؛ سخن (غول؛ موجود افسانه‌ای) - خواست؛ اراده کرد (خاست؛ برخاست)

۳) غدر؛ بی‌وفایی (قدر؛ اندازه) - نقض عهد؛ شکستن پیمان (نغز؛ نیکو)

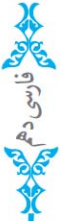
۴) لثیم‌تر؛ پست‌تر، فرومایه‌تر - گذارد؛ رها کند (واژه‌های مهمّ املائی؛ مُهمَل؛ به‌یوده و بی‌کار گذاشته‌شده - اهتمام؛ کوشش کردن)

۵) انهار؛ جمعِ نهر، جوی‌ها



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۷۶- معنی چند واژه از ردیف «الف» در ردیف «ب» نیامده است؟
 الف) وُصلت، غنا، میثاق، خجسته، هیبت، کایدان، هُزأ، نقض، گُرده
 ب) حیلَه‌گران، صولت، چنبرهٔ گردن، آواز مهیب، دستگاه موسیقی، بی‌هنر، پیوستگی، شکستن، پیمان
 ۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج
- ۷۷- در کدام دو گروه از واژه‌ها، واژه‌های غلط معنا شده است؟
 الف) عنایت: توجّه، (ریحان: هر گیاه سبز و خوشبو)
 ب) (کریم: بخشنده)، (سودایی: شیفته)
 ج) (صورت: رخسار)، (وُصلت: همراهی)
 د) (جَبَّار: مسلط)، (بدایت: پایان)
 ۱) الف - ب ۲) ب - ج ۳) ب - د ۴) ج - د
- ۷۸- مترادف واژه‌های «اندیشه، پیوست، فریب، رخسار» به ترتیب در کدام گزینه، درست آمده است؟
 ۱) سودا، تعلیق، کید، عذار
 ۲) ترس، الحاق، ترفند، زیبایی
 ۳) خیال، ضمیمه، عذر، صورت
 ۴) خیال، یادداشت، حیلَه، چهره
- ۷۹- کدام گروه از واژه‌ها، همگی مترادف هستند؟
 ۱) (خالق و صانع)، (زبور و پیرایه)، (مقصد و مبدأ)
 ۲) (چرخ و فلک)، (ضایع و تلف)، (طهارت و پاکی)
 ۳) (فروغ و پرتو)، (عدل و داد)، (اقبال و ادبار)
 ۴) (جفا و وفا)، (قربان و خویشی)، (تقریر و بیان)
- ۸۰- معنی صحیح همهٔ واژه‌های «خطابه، خیال، عهد، تدبیر» کدام است؟
 ۱) سخنرانی، توهم، دوران، سرنوشت
 ۲) وعظ کردن، آرزو، میثاق، حیلَه
 ۳) خطبه خواندن، فکر، نذر، اندیشیدن
 ۴) نصیحت کردن، تصمیم، پیمان، چاره‌جویی
- ۸۱- چند مورد از واژه‌های زیر، درست معنی شده‌اند؟
 (میراب: نگهبان آب)، (کاید: حیلَه‌گر)، (لثیم: رانده‌شده)، (عشرت: خوش‌گذرانی)، (غارب: بالای کمر)، (طرب: شادی)، (عداوت: دشمنی)، (شبرو: راهزن)، (خَلْفَ صدق: جانشین راستین)، (خُنک: خوشا)
 ۱) شش ۲) هشت ۳) هفت ۴) نه
- ۸۲- در کدام گروه واژه‌ها، دو غلط املائی یافت می‌شود؟
 ۱) بنشن و تره‌بار - لحو و لعب دنیوی - فاضل و نیکومنظر - قوم و خویش
 ۲) مسئلهٔ اجتماعی - مُحال و غیرممکن - شادی و محنت - ورطه و گرداب
 ۳) مسجع و آهنگین - خاست خداوند - لعیم و فرومایه - نغمت و سرودها
 ۴) مستغنی و بی‌نیاز - فرقت و وصلت - حرص و عاز آدمیان - کیف حلیی
- ۸۳- مترادف واژه‌های «وُصلت، مِحنت، جفا، کاید، نقض» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟
 الف) زنه‌ار مزن تیر ستم بر دل درویش
 ب) نامهٔ درد دل و قصهٔ اندوه فراقم
 ج) یار با هر کسی سری دارد
 د) از شکستن دل نمی‌افتد ز چشم اعتبار
 ه) عشق مستغنی‌ست از تدبیر عقل حیلَه‌گر
 ۱) ب، ج، الف، ه، د ۲) ج، ب، الف، ه، د
 ۳) ج، ب، ه، الف، د ۴) د، ب، الف، ه، ج



۸۴- معنی واژه «عهد» در کدام دو بیت، با معنی آن در بیت زیر یکسان است؟

- «تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم
 الف) حسن تو نادرست در این عهد و شعر من
 ب) از عهدۀ عهد گر برون آید مرد
 ج) در بیخ روز جوانی و عهد برنایی
 د) از جفا تا او چهار انگشت بود
 ه) من ز مسجد به خرابیات نه خود افتادم
- ۱) ب - د ۲) الف - ب ۳) ج - ه ۴) د - ه

۸۵- در کدام دو بیت، غلط املائی وجود دارد؟

- الف) در آرزوی عمل دزدی قبیح است
 ب) صورت نقض وفای ما میباش
 ج) در مشورت اگر چه گشاد جهان ز ماست
 د) ز رود آواز موزون، او بر آورد
 ۱) الف - ب ۲) الف - ج ۳) ب - د ۴) ج - د

۸۶- در کدام گزینه، غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) لثیم‌تر دوستان از میان مردمان، اوست که در حال شدت و نکبت دوستی و صداقت را مهمل گزارد.
 ۲) اکنون و در این زمان محقق گشت به این دروغ‌ها که می‌گویند و عذرهای نغز و دفع‌های شیرین که می‌نهند.
 ۳) اسباب امکان و مقدرت چیزی قاصر نیست که بدان تأویل غمگین شاید بود. هر آفت و هر مشغولی که تازه شود دفع آن ساخته است و مهتبا.
 ۴) حمد و ثنایی که رایحه‌های ذکر آن چون ثنایای صبح، بر دهان گل خنده زند و چون نسیم صبا، طرّه سنبل شکنند.

۸۷- در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) مکن نصیحت و از من مدار چشم صلاح
 ۲) گر طاق دو ابروی تو منظور نبودی
 ۳) مرا به بند تو دوران چرخ رازی کرد
 ۴) شاد باش ای مطاع فتنه‌نشان
 که من به قول نصیحت‌کنان ندارم گوش
 مسجود ملایک نشدی قالب آدم
 ولی چه سود؟ که سر رشته در رضای تو بست
 ای ز امن تو خفته فتنه‌ستان

۸۸- در این متن چند غلط املائی وجود دارد؟

- «این ملاطفت بپذیر و در این کار تأخیر منماید، که عاقل در مهمات توقّف جایز نشمرد و دل به بقای من خوش دار که من به حیاط تو شادم. چه رستگاری هر یک از ما، به بقای دیگری متعلّق است و صدق من به آزمایش معلوم خواهد گشت و چون آفتاب روشن شد که غول من از عمل قاصر است و کردار من بر گفتار راجه.»
- ۱) یک ۲) دو ۳) چهار ۴) سه



۷۶- گزینه «۱» واژه‌هایی که معنی‌شان نیامده است: خجسته: مبارک، خوب و خوش - گرده: پشت، بالای

کمر؛ سایر واژه‌ها: وُصلت: پیوستگی، غنا: دستگاه موسیقی، میثاق: پیمان، هیبت: صولت، کایدان: حیل‌گران، هُزّا:

آواز مهیب، نقض: شکستن

۷۷- گزینه «۴» معانی درست: (ج) وُصلت: پیوند، پیوستگی؛ (د) بدایت: آغاز، ابتدا (نهایت: پایان، انتها)

۷۸- گزینه «۱» سودا: اندیشه، هوس، عشق - تعلیق: پیوست، یادداشت مطالب و جزئیات در رساله یا کتاب -

کید: حیل و فریب - عذار: چهره، رخسار، صورت

۷۹- گزینه «۲» گروه واژه‌هایی که مترادف نیستند بلکه متضاد هستند: ۱ مقصد ≠ مبدأ ۳ اقبال:

نیک‌بختی - ادبار: بدبختی ۴ جفا ≠ وفا

۸۰- گزینه «۲» خطابه: سخنرانی، خطبه‌خواندن، وعظ کردن - خیال: آرزو، فکر، تصوّر چیزی در ذهن،

هنگامی که در پیش چشم نباشد - عهد: پیمان، میثاق - تدبیر: چاره‌جویی، اندیشیدن، حیل

۸۱- گزینه «۲» معانی درست: لثیم: پست، فرومایه (لعین: رانده، لعنت‌شده) - غارب: میان دو کتف (گرده:

پشت، بالای کمر)

۸۲- گزینه «۳» املائی درست‌گزینه‌ها: ۱ لهو و لعب ۲ مسئله اجتماعی ۳ خواست خداوند، لثیم و

فرومایه ۴ حرص و آز آدمیان

۸۳- گزینه «۲» الف: جفا: بی‌وفایی، ستم؛ ب) میحنت: اندوه، ناراحتی؛ (ج) وُصلت: جمع وصل، اتصال،

پیوستگی؛ (د) نقض: شکستن؛ (ه) کاید: حیل‌گر

۸۴- گزینه «۱» معنی «عهد»، در متن سؤال و ابیات «ب» و «د»: پیمان، میثاق؛

در سایر ابیات: روزگار، دوران

۸۵- گزینه «۲» الف) درازی امل یعنی آرزوی طول و دراز؛ (ج) سبحه: تسبیح

واژگان مهم املائی: قبیح، صریح، نقص، غنا

۸۶- گزینه «۱» املائی درست: مهمل گذاشتن: رهاکردن، ترک کردن.

املائی مهم‌گزینه‌ها: ۱ لثیم ۲ نفز ۳ قاصر، تأویل ۴ ثنا، صبا، طزه

۸۷- گزینه «۳» املائی درست: راضی: خشنود، خرسند (رازی: یک راز، سِر).

واژه‌های مهم املائی سایر ابیات: ۱ صلاح: شایستگی، نیکویی (سلاح: آلت جنگ) ۲ قالب: جسم (غالب: غلبه،

چیره). ۳ مُطاع: فرمانروا، اطاعت‌شده (مُتاع: کالا).

۸۸- گزینه «۴» «حیات» یعنی زندگی «من به حیات تو شادم» یعنی از زنده‌بودن تو خوشحالم، «قول»

یعنی سخن «قول من از عمل قاصر است»، یعنی به حرف‌هایی که می‌زنم عمل نمی‌کنم و اهل عمل نیستم. «راجح»

یعنی برتر، ترجیح‌دارنده، پس «راجحه» غلط است.

ادبیت پایلاری

- عباس میرزا، آغازگری تنها، مجید واعظی
زندان موصل، خاطرات اسیر آزادشده، اصغر رباط‌جزی^۱ (روان‌خوانی: تا غزل بعد ...)
گلستان، سعدی (گنج حکمت: چو سرو باش)
فرهنگ معین (شش جلد)، استاد محمد معین
چهارپاره «در امواج سند» سروده مهدی حمیدی شیرازی
- چهارپاره یا «دویتی‌های پیوسته» برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود و رواج آن، از دوره مشروطه بوده و تاکنون ادامه یافته است.
 - ملک‌الشعرای بهار، فریدون مشیری و فریدون توللی سروده‌هایی در قالب چهارپاره دارند.

ابیات مرتبط

- در ره عشق وطن از سر و جان خاسته‌ایم تا در این ره چه کند همت مردانه ما (بر می‌نمیزی)
- چون شیر به خود سپه‌شکن باش فرزندی خصال خویشتن باش (نظامی)

ادبیت انقلاب اسلامی

- رباعی سرایان امروز؛ سلمان هراتی، مصطفی علی‌پور، محمدعلی مجاهدی (پروانه)، مصطفی محدثی خراسانی
 - رباعی سرایان نامدار؛ خیام، عطار، مولوی، باباافضل
- «به یاد ۲۲ بهمن» نوشته سید ضیاء‌الدین شفیعی
شعر «سپیده می‌آید» سروده نصرالله مردانی
شعر «فصل عاشقی» سروده سید حسن حسینی

بیت مرتبط

- بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد حاصل بی‌حاصلی نبود به‌جز شرمندگی (مأب)

ادبیت حماسی

شخصیت‌های داستان کاوه دادخواه

- کاوه آهنگر؛ در داستان‌های حماسی ایران و اساطیر باستان، چهره انقلابی کاوه آهنگر بی‌نظیر است و پیش‌بین چرمین او که بر نیزه کرد و مردم را به اتحاد و جنبش فراخواند، درفش بود انقلابی که بر ضد پادشاه وقت، ضحاک، برافراشت.
- ضحاک؛ ضحاک، معرّب اژی‌دهاک (اژدها)، در داستان‌های ایرانی، مظهر خوی شیطانی است و زشتی و بدی. در اوستا موجودی است «سه‌پوزه سه‌سر شش‌چشم» دیوزاد و مایه آسیب آدمیان و فتنه و فساد. مرداس؛ پدر ضحاک بود. ابلیس با موافقت ضحاک، پدرش را که مردی پاک‌دین بود، از پا درمی‌آورد تا ضحاک به پادشاهی برسد.
- فریدون؛ با یاری کاوه آهنگر بر ضحاک ستمگر چیره شده و او را در کوه دماوند زندانی می‌کند.
- به روایت فردوسی، ضحاک بارها فریب ابلیس را می‌خورد؛ پس از کشتن مرداس، ابلیس در لباس خوالیگری چالاک، خورش‌هایی حیوانی به او می‌خورد و خوی بد را در او می‌پرورد؛ سپس بر اثر بوسه‌زدن ابلیس بر دوش ضحاک، دو مار از دو کتف او می‌روید و مایه رنج وی می‌شود.
 - در اساطیر ایران، مار مظهری است از اهریمن و در این‌جا نیز که بر دوش ضحاک می‌روید، تجسمی است از خواهی اهریمنی و بیداد و منش خبیث.
- شاهنامه، فردوسی (کاوه دادخواه)

۱- کتاب زندان موصل، خاطرات اسیر آزادشده، اصغر رباط‌جزی است که آقای جواد کامور بخشایش آن را نوشته است.



روضه خلد، مجد خوفی (گنج حکمت: کاردانی)

حملة حیدری، باذل مشهدی

شعر «وطن»، سروده نظام وفا

بیت مرتبط

• تویک ساعت، چو افریدون به میدان باش، تازان پس به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی (شایی)

ابیات داستانی

کلیله و دمنه، ترجمه ابوالمعالی نصرالله منشی (کبوتر طوق دار)

جوامع الحکایات و لوامع الزوایات، محمد عوفی (گنج حکمت: مهمان ناخوانده)

شلوارهای وصله دار، رسول پرویزی (قصه عینکم)

سه دیدار، نادر ابراهیمی (روان خوانی: دیدار)

بیت مرتبط

• مرّوت نبینم رهایی ز بند به تنها و یارانم اندر کمند (سعی)

ابیات جهان

ماه نو و مرغان آواره، رابیندرانات تاگور، ترجمه ع. پاشایی (خاموشی دریا)

پیامبر و دیوانه، جبران خلیل جبران، ترجمه نجف دریابندری (گنج حکمت: تجسم عشق)

دیوان غربی - شرقی، یوهان ولفگانگ گوته، ترجمه کورش صفوی (خوان عدل)

پرنده‌ای به نام آذرباد، ریچارد باخ، ترجمه سودابه پرتوی (روان خوانی: آذرباد)

• گوته شیفته و دلپسته شعر و اندیشه حافظ بود.

جدول (۱) آثار + پدیدآورندگان

اسرار التوحید، محمد بن منور
اسرارنامه، شیخ فریدالدین عطار
بوستان، سعدی
بهارستان، جامی
پرنده‌ای به نام آذرباد، ریچارد باخ، ترجمه سودابه پرتوی
پیامبر و دیوانه، جبران خلیل جبران، ترجمه نجف دریابندری
تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی
تحفة الاحرار، جامی
تذکره الاولیا، شیخ فریدالدین عطار (نثر)
جوامع الحکایات و لوامع الزوایات، محمد عوفی
حملة حیدری، باذل مشهدی
دیوان غربی - شرقی، یوهان ولفگانگ گوته، ترجمه کورش صفوی
روزها، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن
روضه خلد، مجد خوفی
زندان موصل، خاطرات اسیر آزادشده، اصغر رباط جزی



۹۵۸- با توجه به متن زیر مرجع ضمیر «او» و «من» چه کسانی هستند؟ این متن در کدام کتاب آمده است؟
 «بار اول که پیرمرد را دیدم در کنگره نویسنده‌گانی بود که خانه فرهنگ شوروی در تهران علم کرده بود.
 دیگر شعرا کاری به کار او نداشتند. من هم که شاعر نبودم، و علاوه بر آن، جوانکی بودم و توی جماعت، بُر
 خورده بودم.»

- (۱) نیما یوشیج، جلال آل احمد، ارزیابی شتابزده
 (۲) جلال آل احمد، نیما یوشیج، ارزیابی شتابزده
 (۳) نیما یوشیج، سهراب سپهری، اتاق آبی
 (۴) جلال آل احمد، سهراب سپهری، اتاق آبی
 ۹۵۹- سرایندگان «پیوند زینون بر شاخهٔ ترنج، الهی‌نامه و سمفونی پنجم جنوب» به ترتیب چه کسانی هستند؟
 (۱) علی‌اکبر دهخدا، سنایی غزنوی، آندره ژید
 (۲) موسوی گرمارودی، عطار نیشابوری، نزار قبانی
 (۳) علی اسفندیاری، نظامی گنجهای، آندره ژید
 (۴) موسوی گرمارودی، حسین واعظ کاشفی، نزار قبانی

تاریخ ادبیات یازدهم

۹۶۰- همهٔ گزینه‌ها به استثنای گزینهٔ دربارهٔ «جلال‌الدین و بهاء‌الدین» نادرست است.

- (۱) بهاء‌ولد پیش از انجام فرایض حج، به درخواست علاء‌الدین کیکباد، پادشاه سلجوقی روم، به قونیه روانه شد.
 (۲) جلال‌الدین در نیشابور با شیخ فریدالدین عطار ملاقات کرد و عطار کتاب «اسرارنامه» را از جلال‌الدین هدیه گرفت.
 (۳) جلال‌الدین هفت سال در حلب و شام به تحصیل علوم پرداخت و در بیست‌و‌چهارسالگی، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.
 (۴) بهاء‌الدین، به سبب هراس از حملهٔ مغول و رنجش از خوارزم‌شاه، از بلخ به قصد حج رهسپار شد، زمانی که جلال‌الدین هجده‌ساله بود.

۹۶۱- انتساب چند اثر، به نویسنده یا سرایندهٔ آن نادرست است؟

- (پرنده‌ای به نام آذرباد: سودابه پرتوی) (عبّاس میرزا، آغازگری تنها: مجید واعظی) (ماه نو و مرغان آواره:
 جبران خلیل جبران) (زندان موصل، خاطرات اسیر آزادشده: اصغر رباط‌جزی) (حملهٔ حیدری: باذل مشهدی)
 (پیامبر و دیوانه: تاگور) (الهی‌نامه: سنایی) (دیوان غربی- شرقی: گوته) (نمونه‌های نثر فصیح فارسی معاصر:
 بدیع‌الزمان فروزانفر)

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
 ۹۶۲- موضوع و نوع ادبی آثار زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟

«بوستان سعدی - جوامع الحکایات و لوامع الرّوایات - روزها - غزلیات شمس»

- (۱) ادبیات غنایی - ادبیات غنایی - ادبیات داستانی - ادبیات داستانی
 (۲) ادبیات تعلیمی - ادبیات داستانی - ادبیات غنایی - ادبیات تعلیمی
 (۳) ادبیات تعلیمی - ادبیات داستانی - ادبیات سفر و زندگی - ادبیات غنایی
 (۴) ادبیات غنایی - ادبیات سفر و زندگی - ادبیات سفر و زندگی - ادبیات غنایی

۹۶۳- از میان آثار زیر، چند اثر «منثور» است؟

- (فرهاد و شیرین) (بهارستان) (منطق‌الطیّر) (تحفة‌الاحرار) (مرصادالعباد) (لبلی و مجنون) (اسرارنامه)
 (اسرارالتوحید) (حملهٔ حیدری)

- (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) سه

۹۶۴- مترجمان آثار «پرنده‌ای به نام آذرباد، پیامبر و دیوانه، ماه نو و مرغان آواره، دیوان غربی - شرقی» به ترتیب در گزینهٔ به درستی معرفی شده‌اند.

- (۱) سودابه پرتوی، نجف دریابندری، ع. پاشایی، کورش صفوی
 (۲) کورش صفوی، سودابه پرتوی، نجف دریابندری، ع. پاشایی
 (۳) کورش صفوی، نجف دریابندری، ع. پاشایی، سودابه پرتوی
 (۴) سودابه پرتوی، ع. پاشایی، نجف دریابندری، کورش صفوی

۹۶۵- ابیات زیر می‌تواند متعلق به حوزهٔ ادبیات باشد.

«سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته‌جانی
به گوش ارغوان آهسته گفتم: بهارت خوش که فکر دیگرانی»
(۱) زندگی‌نامه (۲) عرفانی (۳) تعلیمی (۴) غنایی

۹۶۶- عبارت زیر را کدام گزینه به درستی پر می‌کند؟

«جلال‌الدین در با ملاقات کرد و کتاب را به هدیه داد.»
(۱) نیشابور، عطار، اسرارنامه، جلال‌الدین (۲) بلخ، عطار، مولوی، مصیبت‌نامه، بهاء‌الدین
(۳) بلخ، مولوی، عطار، مختارنامه، بهاء‌الدین (۴) نیشابور، بهاء‌ولد، مولوی، اسرارنامه، جلال‌الدین

۹۶۷- سؤلفان آثار «پرنده‌ای به نام آذرباد، پیامبر و دیوانه، ماه نو و سرغان آواره، دیوان غربی- شرقی» به ترتیب در کدام گزینه به درستی ذکر شده‌اند؟

(۱) ریچارد باخ - جبران خلیل جبران - رابیندرانات تاگور - یوهان ولفگانگ گوته
(۲) رابیندرانات تاگور - ریچارد باخ - یوهان ولفگانگ گوته - جبران خلیل جبران
(۳) یوهان ولفگانگ گوته - جبران خلیل جبران - رابیندرانات تاگور - ریچارد باخ
(۴) ریچارد باخ - رابیندرانات تاگور - جبران خلیل جبران - یوهان ولفگانگ گوته

۹۶۸- مطالب تمام گزینه‌ها به استثنای گزینهٔ صحیح است.

(۱) شمس‌الدین تبریزی، اهل تبریز، برای کسب علوم و معارف بسیار مسافرت می‌کرد و از مشایخ فراوانی بهره برد.
(۲) شمس که به دلیل سیر و سفر و البته جست‌وجو و پرواز در عالم معنا، به شمس پرنده معروف بود، در ۲۶ جمادی‌الآخر سال ۶۴۷ قمری به قونیه وارد شد.
(۳) مولانا، با همهٔ علم و استادی خویش، در حدود سی‌وهشت سالگی، خدمت شمس زانو زد و نوآموز گشت.
(۴) مولانا، چنان در معارف شمس تبریزی غرق شده بود که مریدان خود را از یاد برد و خشم و غضب مریدان را نسبت به شمس برانگیخت.

۹۶۹- در کدام مجموعه، به ترتیب دو اثر منظوم از «عطار نیشابوری» و دو اثر از «جامی» معرفی شده است؟

(۱) تذکرةالاولیا، اسرارنامه، تحفةالاحرار، بهارستان (۲) الهی‌نامه، منطق‌الطیر، بهارستان، تحفةالاحرار
(۳) تحفةالاحرار، تذکرةالاولیا، روضهٔ خلد، اسرارنامه (۴) بهارستان، لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین، مرصادالعباد
۹۷۰- ابیات زیر، از محمدرضا شفیعی کدکنی است. او از کدام شاعر کلاسیک ایران، مصرعی را تضمین کرده است؟
«بیداری زمان را من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی / رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن»

(۱) سعدی (۲) عطار (۳) حافظ (۴) مولوی

۹۷۱- نویسنده یا سرایندهٔ چند مورد از آثار زیر، درست معرفی شده است؟

(فرهاد و شیرین: نظامی) (مرصادالعباد: نجم‌الدین رازی) (سه دیدار: نادر ابراهیمی) (بهارستان: جامی) (اسرارنامه: عطار) (تذکرةالاولیا: عطار) (روضهٔ خلد: باذل مشهدی) (اسرارالتوحید: محمد بن منور) (تحفةالاحرار: سنایی)
(۱) هفت (۲) شش (۳) چهار (۴) پنج

۹۷۲- کدام بیت، تعلیمی نیست؟

(۱) رزق هر چند بی‌گمان برسد شرط عقل است جُستن از درها
(۲) نانم افزود و ابرویم کاست بینوایی به از مذلّت خواست
(۳) ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست در حضرت کریم، تمتا چه حاجت است
(۴) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۹۷۳- در کدام مجموعه، به ترتیب دو اثر منثور و منظوم از «جامی» و دو اثر منظوم از «عطار نیشابوری» معرفی شده است؟

(۱) روضهٔ خلد، اسرارنامه، تحفةالاحرار، تذکرةالاولیا (۲) بهارستان، تحفةالاحرار، الهی‌نامه، منطق‌الطیر
(۳) فرهاد و شیرین، مرصادالعباد، بهارستان، لیلی و مجنون (۴) تحفةالاحرار، بهارستان، تذکرةالاولیا، اسرارنامه

۹۵۸- گزینۀ «۱» «جلال آل احمد» در مقاله «پیرمرد چشم ما بود» از کتاب «ارزیابی شتابزده» با بیان حس و حال عاطفی خویش و زبان صمیمی، نیما یوشیج را توصیف می کند.

۹۵۹- گزینۀ «۲»

۹۶۰- گزینۀ «۳» **تصحیح موارد نادرست:** ۱ پس از انجام فرائض حج؛ ۲ جلال الدین کتاب اسرارنامه را از عطار هدیه گرفت! (نه برعکس!!)؛ ۴ جلال الدین پنج ساله بود.

۹۶۱- گزینۀ «۳»

تصحیح موارد نادرست: پرنده‌ای به نام آذرباد: ریچارد باخ (مترجم: سودابه پرتوی) - ماه نو و مرغان آواره: رایبندرانات تاگور - پیامبر و دیوانه: جبران خلیل جبران - نمونه‌های نثر فصیح فارسی معاصر: جلال متینی

۹۶۲- گزینۀ «۳»

«روزها» اثر دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن زندگی‌نامه و «جوامع الحکایات و لوامع الزوایات» از آثار محمد عوفی مجموعه‌ای از حکایات تاریخی، اخلاقی و مذهبی است.

۹۶۳- گزینۀ «۴»

آثار منظوم: فرهاد و شیرین، منطق الطّیر، تحفة الاحرار، لیلی و مجنون، اسرارنامه، حمله حیدری؛ همگی این آثار در قالب مثنوی‌اند.

۹۶۴- گزینۀ «۱»

پرنده‌ای به نام آذرباد: ریچارد باخ، ترجمۀ سودابه پرتوی - پیامبر و دیوانه: جبران خلیل جبران، ترجمۀ نجف دریابندری - ماه نو و مرغان آواره: رایبندرانات تاگور، ترجمۀ ع. پاشایی - دیوان غربی - شرقی: یوهان ولفگانگ گوته، ترجمۀ کورش صفوی



۹۶۵- گزینه «۳» این دوبیتی از فریدون مشیری است و در آن به طور غیرمستقیم توصیه به کمک به دیگران و تلاش برای آسایش آن‌ها شده است.

۹۶۶- گزینه «۱»

۹۶۷- گزینه «۱» پرنده‌ای به نام آذرباد: ریچارد باخ، ترجمه سودابه پرتوی - پیامبر و دیوانه: جبران خلیل جبران، ترجمه نجف دریابندری - ماه نو و مرغان آواره: رابیندرانات تاگور، ترجمه ع. پاشایی - دیوان غربی - شرقی: یوهان ولفگانگ گوته، ترجمه کورش صفوی

۹۶۸- گزینه «۲»

سال ورود شمس به قونیه ۶۴۲ و سالی که آن‌جا را برای همیشه ترک کرد، سال ۶۴۷ است. توجه داشته باشید که «تذکره‌الاولیا» تنها اثر منشور عطار است.

۹۶۹- گزینه «۲»

اصل بیت مولوی: «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن / ترک منی خراب شب‌گرد مبتلا کن»؛ این بیت بخشی از غزلی است که آن را آخرین غزل سروده مولانا می‌دانند.

۹۷۰- گزینه «۴»

تصحیح موارد نادرست: فرهاد و شیرین: وحشی بافقی - روضه خلد: مجد خوافی -

۹۷۱- گزینه «۲»

تحفة الاحرار: جامی

۹۷۲- گزینه «۳»

بیت ۳ از حافظ شیرازی بیتی بادرین مایه عرفانی است که در حوزه ادبیات غنایی قرار می‌گیرد.

۹۷۳- گزینه «۲»

توجه داشته باشید که «تذکره‌الاولیا» تنها اثر منشور عطار و تحفة الاحرار هم اثری منظوم

از جامی است.

ضمائم

لغت



پدن

آخَره*: چنبره گردن، قوس زیر گردن
بَنان*: سرانگشت، انگشت

تک و پوز*: دک‌وپوز؛ به طنز، ظاهر شخص به ویژه سر و صورت
جبهه: پیشانی
جبین*: پیشانی
جناق*: جناغ، استخوان پهن و دراز در جلوی قفسه سینه

حلقوم*: حلق و گلو

خرخره*: گلو، حلقوم

رخسار: چهره، عارض، عذار

رَنخدان*: چانه

ساعده*: آن بخش از دست که میان مچ و آرنج قرار دارد.

صدر: سینه

غارِب*: میان دو کتف

قفا*: پس گردن، پشت گردن، پشت

کام*: سقف دهان، مجازاً دهان، زبان

کُله*: برآمدگی پشت پای اسب

کنار: آغوش، بغل

گُرده*: پشت، بالای کمر

مشام: بینی، حس بویایی

میان: کمر

نای: حنجره، گلو

وجنه: رخسار

وَقَب*: هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم

واپسته به پدن

آماس*: ورم، تورم

استشمام*: بوییدن

تناور*: دارای پیکر بزرگ و قوی

تکیده*: لاغر و باریک‌اندام

جسیم*: خوش‌اندام

خدو*: آب دهان، تفو

خُطوات*: جمع خُطوه، گام‌ها، قدم‌ها

خوش‌لقا*: زیبارو، خوش‌سیما

رعنا*: خوش قد و قامت، زیبا

سو*: دید، توان بینایی

شاقه*: حس بویایی

یشکن*: پیچ‌وخم زلف

صباح*: خوب‌رویی و سفیدی رنگ انسان، زیبایی

فربه: چاق، سمین

کل*: مخفف کچل

کمر: کمر بند

پوشاک و مرتبط با پوشاک

آنبان*: کیسه‌ای بزرگ که از پوست دباغی‌شده گوسفند درست می‌کنند.

بو قلمون: نوعی دبیای رومی که رنگ آن هر لحظه تغییر می‌کند، هر چیز رنگارنگ، گوناگون.

پای‌افزار*: کفش، پاپوش

پرنیان*: پارچه ابریشمی دارای نقش و نگار، نوعی حریر

پلاس*: جامه‌ای پشمینه و ستر که درویشان پوشند، نوعی گلیم درشت و کلفت و کم‌بها.

تعلیمی*: عصای سبکی که به دست گیرند.

توزی: منسوب به توز، پارچه نازک کتانی که نخست در شهر توز می‌بافته‌اند.

جُل*: پوشش به معنای مطلق (آسمان‌جُل*: کنایه از فقیر، بی‌چیز، بی‌خانمان)

جیب*: گریبان، یقه

جیر*: نوعی چرم دباغی‌شده با سطح نرم و پرزدار که در تهیه لباس، کفش، کیف و مانند آن‌ها به کار می‌رود.

خِلقت*: جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد.

خورجینک*: خورجین کوچک، کیسه‌ای که معمولاً از پشم درست می‌کنند و شامل دو جیب است، جامه‌دان.

دستار*: پارچه‌ای که به دور سر بپیچند، سربند و عمامه.

ردا*: جامه‌ای که روی جامه‌های دیگر پوشند، بالاپوش.



کلمات هم آوا و مشابه

حروف املایی: **ع**، **ط**، **ح**، **ه**، **ذ**، **ز**، **ض**، **ظ**، **ث**، **س**، **ص**، **غ**، **ق** و او تغییر یافته

آبد عَبْد	زمان بی‌نهایت، همیشه بنده	آری عاری	بله برهنه، فاقد
اجل عَجَل	زمان مرگ سریع، شتافتن	آلی عالی	منسوب به آلت، هر جسمی که دارای اعضا و آلات متعدد باشد. شریف، سرافراز، بلند
آرَش عَرَش	واحد اندازه‌گیری تخت پادشاه / ملکوت	تأجیل تعجیل	مهلت‌دادن، مقابل تعجیل شتاب کردن
اِزا عَزَا	مقابل، برابر ماتم	تأمل تعمل	اندیشیدن به عمل پرداختن
اَزَل عَزَل	زمان بی‌آغاز برکناری	تأمیر تعمیر	امیری کردن آباد کردن، مرمت کردن
اَلَم عَلَم	درد و رنج ببرق	ضیاء ضیاع	نور، روشنایی آب و زمین زراعتی
امارت عمارت	پادشاهی ساختمان، آباد کردن	مألوف معلوف	مأنوس علف‌خورده
أمر عَمَر عُمَر	فرمان آبادگردانیدن زیستن	مأمور معمور	فرستاده، اجراکننده حکم آبادان
أَمَل عَمَل	آرزو انجام‌دادن	مأب معاب	بازگشتن عیب
ایار عیار	ماه سوم بهار از ماه‌های رومی معیار و ترازوی زرسنج، سنجش و مقایسه	مستأجل مستعجل	مهلت‌خواهنده زودگذر، شتابان

حروف املایی: **ع**، **ط**، **ح**، **ه**، **ذ**، **ز**، **ض**، **ظ**، **ث**، **س**، **ص**، **غ**، **ق** و او تغییر یافته

بُت بَط	مجسمه مرغابی	تین طین	انجیر، نام سوره‌ای از قرآن گیل، خاک
تاق طاق	نوعی درخت فرد، یکتا، سقف محدب	ثقت سَقَط	اطمینان خطا، کالای بی‌ارزش
تَب طَب	از علائم بیماری پزشکی	حیات حیاط	زندگی محوطه